



چرا باید شکر گزار باشیم؟

سرگئی گریگوریانٹس



چرا باید شکرگزار باشیم؟

سرگئی گریگوریانتس


توآنا آموزش‌شکده آنلاین
TAVANA برای جامعه مدنی ایران
e-collaborative
for civic education



آموزش‌شکده آنلاین
برای جامعه مدنی ایران

<http://www.tavaana.org>

پروژه

e-collaborative
for civic education

<http://www.eciviced.org>

چرا باید شکر گزار باشیم؟

Why Must We Be Grateful?

نویسنده: سرگئی گریگوریانتس (Sergei Grigoryants)

مترجم: آموزش‌شکده توانا (آموزش‌شکده الکترونیکی برای جامعه مدنی ایران)

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

طرح روی جلد: Flag of the Soviet Union

© E-Collaborative for Civic Education 2018

e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا، تحت 501c3 است که از فن آوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می کند.

ما به عنوان بنیانگذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل دهنده ایده های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی های شهروندی و سیاسی برای تک تک شهروندان و امنیت برابری و عدالت می داند. ما دموکراسی را مجموعه ای از ارزش ها، نهادها و فرایندها می دانیم که مبشر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکررگویی و جوامعی شایسته سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارجح می گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزشکده توانا: آموزشکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزشکده توانا در ارایه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارایه دوره های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب نویسی، جدایی دین و دولت و توانایی های رهبری ارایه می شوند. آموزشکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه هایی مثل مطالعات موردی در جنبش های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با فعالان و روشنفکران، دستورالعمل های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارایه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی های آموزشکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایرانی و صداهای حذف شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه نگاری، کنشگری و فن آوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هموطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما

مریم معمارصادقی

اکبر عطری

M. Memar Sadeghi

Akbar Attari

مقدمه

یکی از عناصر اصلی سیاست‌های اخیر برای اعمال اصلاحات در اتحاد جماهیر شوروی، سیاست گلاسنوست^۱ - سیاست فضای باز اجتماعی و سیاسی - بود. با آغاز اعمال این سیاست، پس از هفتاد سال تحمیل همگونی^۲ و محافظه‌کاری در سیاست‌های اعمالی، جامعه روشنفکری شوروی احیا شد. نویسندگانی که قبل از اعمال این فضای باز سیاسی ممنوع‌الکلم شده بودند یا نوشته‌هایشان فقط به طور زیرزمینی و مخفیانه منتشر می‌شد دوباره آغاز به نوشتن کردند. نشریات جدیدی منتشر شد که هدفشان بسط طیف گفتمان عمومی و ابراز عقاید صریح در باب سیاست، اجتماع، ادبیات و تاریخ بود. نشریه گلاسنوست به سردبیری سرگئی گریگوریانتس^۳ (۱۹۴۱ -) یکی از این نشریات نو بود که مقالاتش به صراحت در کلام شناخته شده بود. گریگوریانتس در این نشریه برای دستیابی به آزادی‌های سیاسی و آزادی اندیشه مدام از خط قرمزهای سیاست جدید فضای باز عبور می‌کرد. این نشریه حتی در دوران گلاسنوست بارها تعطیل شد و سردبیرش، گریگوریانتس، به دلیل مطالبی که در آن درج شده بود، بازداشت شد.

۱- Glosnost (به روسی: гласность) سیاستی است که میخائیل گورباچف پس از آن که در سال ۱۹۸۵ به رهبر اتحاد جماهیر شوروی رسید اعمال کرد. این کلمه در فارسی «سیاست فضای باز» یا «شفافیت» ترجمه شده است.

۲- در متن انگلیسی: conformity.

۳- Sergei Ivanovich Grigoryants (۱۹۴۱ -) از شخصیت‌های مخالف در دوران اتحاد جماهیر شوروی، روزنامه‌نگار، منتقد ادبی و رئیس بنیاد دفاع گلاسنوست بود.

در تابستان ۱۹۸۸ گریگوریانتس، که اجازه سفر به خارج از کشور را نداشت، مطلبی را که در ادامه آمده است برای قرائت به کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر - که در شهر کراکوف^۴ برگزار می‌شد - ارسال کرد. این اولین کنفرانس از این نوع در یک کشور کمونیست بود.

۴-Kraków یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین شهرهای لهستان است که در جنوب این کشور قرار دارد و تا سال ۱۵۹۶ پایتخت آن بود.

چرا باید شکرگزار باشیم؟

چرا باید همیشه مثل قهرمانان داستان‌های چخوف^۵ به خودمان یادآوری کنیم که وضعیت حقوق بشر می‌توانست از آنچه هست هم بدتر باشد؟ چرا وقتی میلیون‌ها انسان را به یاد می‌آوریم که به ضرب گلوله کشته شدند باید به خودمان تسلی بدهیم و شکرگزار باشیم که امروز دیگر کسی اعدام نمی‌شود؟ چرا اگر یک فندک در جیب من منفجر شود، باید شکرگزار باشم که این حادثه در یک انبار مهمات رخ نداد؟ و چرا اگر همسران به شما خیانت کرد باید خدا را شکر کنید که به شما خیانت کرد و نه به کشور شما؟ بلاهایی که گریبان‌گیر ما شده است و کماکان ادامه دارد درک دنیایی را که در آن زندگی می‌کنیم غیرممکن کرده است. زندانیان سیاسی در زندان‌های سراسر دنیا به‌خصوص در اتحاد جماهیر شوروی کماکان در اسارت و در حال تلف شدن هستند. در شوروی انسان‌ها را بدون دادگاه محکوم به تبعید می‌کنند. جنبش‌های دموکراتیک ملی، مثل آنچه در ارمنستان شاهدش هستیم، سرکوب می‌شود. رهبران اتحاد جماهیر شوروی چنان رفتار می‌کنند که گویی مملکت ملک یکپارچه شخصی آن‌هاست و با استفاده از رسانه‌ها بی‌اعتنایی خود را به همه کس و همه چیز نشان می‌دهند.

۵ - Anton Pavlovich Chekhov (۱۸۶۰ - ۱۹۰۴) نمایشنامه‌نویس و داستان‌نویس سرشناس روسی

واقعا در اتحاد جماهیر شوروی چه می‌گذرد؟ تردیدی نیست که اراده مردم دچار رخوت شده است. آنچه در یک بخش از کشور در حال وقوع است^۶ شبیه به حرکات ساده انگشتان یک دست است که در تلاش برای غلبه کردن بر آن رخوت صورت می‌گیرد. اما در سایر کشورها شاهد جنبش‌هایی هستیم که بسیار فعالانه در جریان‌اند. برای نمونه، مردم استونی کوشش می‌کنند از قهرمانان جانباخته خود قدردانی کنند و پرچم و سرود ملی خود را احیاء کنند. آن‌ها همچنین در حال بازسازی آثاری تاریخی هستند که برای بزرگداشت کسانی بنا شدند که در جنگ استقلال طلبانه ۱۹۱۸ - ۱۹۲۰^۷ جان باختند، و در حال بنا کردن بناهای یادبودی هستند تا از قهرمانان مقاومت ۱۹۴۰^۸

۶- در ماه آوریل ۱۹۸۸ پروادا (ارگان رسمی حزب کمونیست) اصول پرسترویکا (Perestroika) را، که یک حرکت سیاسی برای اصلاحات در داخل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و مرتبط با سیاست گلاسنوست بوده، منتشر کرد. هدف از این سیاست تغییر ساختار سیاسی و اقتصادی شوروی بود. در ماه مه همان سال رونالد ریگان از مسکو بازدید کرد؛ طی ملاقات سران دو کشور پیمان کاهش موشک‌های نزدیک و میان‌برد میان آمریکا و شوروی منعقد شد. این پیمان به منزله امتیازی از سوی آمریکا به رهبران شوروی بود در ازای حرکتی که به سوی اصلاحات آغاز کرده بودند. در ماه ژوئن همان سال برای اولین بار یک هزارمین سالگرد مسیحیت در روسیه جشن گرفته شد. همزمان نشریه *Moskovskiy Novosti* (Moscow News) اطلاعاتی در ارتباط با قتل عام کاتین منتشر کرد و خواستار تحقیقات گسترده درباره این واقعه شد. قتل عام کاتین (The Katyn massacre) واقعه اعدام‌های زنجیره‌ای نخبگان لهستان بود که در خلال آوریل و مه ۱۹۴۰ رخ داد و طی آن نیروهای امنیتی اتحاد جماهیر شوروی نزدیک به ۲۲ هزار نفر از نخبگان لهستان را، مشتمل بر افسران ارتش و نیروهای انتظامی و روشنفکران، به جوخه آتش سپردند. کاتین نام جنگلی است که گورهای دسته‌جمعی قربانیان این قتل عام بعدها برای اولین بار در آن‌جا کشف شد.

۷- *Estonian War of Independence* یا جنگ استقلال طلبانه استونی (۱۹۱۸ - ۱۹۲۰). پس از عقب‌نشینی ارتش آلمان از استونی در نوامبر ۱۹۱۸ نیروی ارتش سرخ شوروی به این کشور یورش برد و با مقاومت نیروهای استونی مواجه شد. در نهایت ارتش استونی ارتش سرخ را بیرون راند و در فوریه ۱۹۱۹ شوروی ضمن امضای پیمانی با دولت استونی از همه ادعاهای ارضی خود درباره این کشور صرف نظر کرد. استقلال استونی ۲۲ سال دوام یافت و طی آن مدت حکومت پارلمانی در این کشور برقرار شد و اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای صورت گرفت. در تابستان سال ۱۹۳۹ به دنبال پیمانی که بین آلمان نازی و شوروی کمونیستی منعقد شد (*Molotov-Ribbentrop Pact*, 23 August 1939) بی‌طرفی استونی زیر پا گذاشته شد و این کشور به منطقه نفوذ شوروی منضم شد.

۸- روسیه، جمهوری استونی را در ماه ژوئن ۱۹۴۰ اشغال کرد.

قدردانی کنند. علاوه بر این، سنگرهای برادران جنگل^۹ اکنون در دست بازسازی است تا به موزه‌ای تبدیل شود.

درک این نکته مهم است که جنبش‌های ملی گرایانه، به خصوص در اتحاد جماهیر شوروی، از جنبش‌های دموکراتیک تفکیک‌ناپذیرند. این تفکیک‌ناپذیری دو دلیل ساده‌ای دارد: بشر یک موجود اجتماعی است و ملیت^{۱۰} خصیصه بارز انسان بودن او است. به همین دلیل مردم استونی و ارمنستان کاملاً در پیگیری اهداف خود ذی‌حق هستند. آیا حقوق بشر محترم شمرده خواهد شد؟ و برای آن که اطمینان حاصل کنیم رعایت حقوق بشر ادامه خواهد داشت آیا از ما کاری ساخته است؟ مشکل بتوان انتظار داشت کسانی که سکان کشتی مملکت را در دست دارند رعایت حقوق بشر را هدف خود قرار دهند. این سکان‌داران نیازی ندارند که برای خود مانع ایجاد کنند. حقوق بشر فقط به دست مردم و از طریق جنبش‌های دموکراتیک دست‌یافتنی است. همزمان باید با تمام قوا از نشریات مستقل و انجمن‌های بانوان و جوانان - به عبارت دیگر همه سازمان‌هایی که با اولیاء امور وابستگی ندارند و از پشتیبانی و سخاوت دولت بهره‌مند نمی‌شوند - حمایت کرد. قابل توجه است که این نوع سازمان‌ها به آرامی در حال شکل‌گرفتن هستند.

اکنون دیگر لازم نیست در فضای تروری که در سال ۱۹۱۷^{۱۱} حاکم بود زندگی کنیم؛ در آن زمان در عین این که روسیه سرکوب‌شده‌ترین و نوک‌رصف‌ترین کشور جهان شده بود، لنین ادعا می‌کرد روسیه آزادترین کشور جهان است. نباید تصور کنیم که چون روسیه به هنگام وقوع انقلاب اکتبر از سنت و تجربه دموکراسی بی‌بهره بود، امروز مردم روسیه قادر به ایجاد نهادهای دموکراتیک برای کشورشان نیستند. آنچه به صورت یک تجربه منفی آغاز شد ظرفیت آن را دارد که در غایت به یک تجربه مثبت مبدل شود. در حال حاضر ما در حال ارزیابی مجدد تاریخ کشورمان و تشخیص اشتباهات مان هستیم تا بتوانیم از تکرار آن‌ها پرهیز کنیم. ما از کشورهایی که از ثمرات دموکراسی بهره‌گرفته‌اند تقاضا می‌کنیم در راه رسیدن به دموکراسی از ما پشتیبانی و به ما مساعدت کنند. ما عمیقاً معتقدیم هر ملتی حق تعیین سرنوشت خود را دارد و علاوه

۹- The Forest Brethren (also known as the Forest Brothers) گروهی شبه‌نظامی از کشورهای استونی، لتونی و لیتوانی بودند که در مقابل سوویت‌ها و تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به این سه کشور در حوزه دریای بالتیک و اشغال آن‌ها در خلال جنگ دوم جهانی و بعد از آن، مقاومت و مبارزه کردند.

۱۰- در متن انگلیسی: Nationality.

۱۱- انقلاب بلشویک در روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ به ثمر رسید.

بر آن، هر ملتی حق دارد بر اداره امور خود حاکم باشد. در باب آزادی، همه ملت‌ها باید با یکدیگر متحد شوند تا همراه با هم برای دستیابی به آزادی بکوشند.

